

تحلیل سیاست های متاخر مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی با رویکرد هرمنوتیک انتقادی

سمیرا محمدی - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر مجتبی انصاری* - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر محمد جواد مهدوی نژاد - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی ضمن تحولات خود در دوره های مختلف با مسائل گوناگون مواجه بوده اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، «بازآفرینی شهری» و «معاصر سازی» به عنوان یکی از کامل ترین رویکردها، در برگیرنده برنامه های ارتقای کیفی، بافت های شهری - با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - مطرح شد. با این حال، «باز آفرینی شهری» به دلیل دو مشکل «نهادگرایی» و «عدم ارتباط موثر با افراد ذی نفع و ذی نفوذ» با تاخیر در اجرا مواجه شده، غیر اقتصادی بوده و نهایتاً شکست خورده به حساب می آید. لذا شناخت ماهیت این مسئله و تبیین راهکار های مواجهه با این مشکلات، به روش تحلیل انتقادی، موضوع اصلی این مقاله است. سؤال: ماهیت سایت های تاریخی - فرهنگی چیست و راهکارهای مداخلاتی آن، چه ویژگی هایی باید داشته باشند؟ هدف: شناسایی ماهیت ارزشمندی سایت های تاریخی - فرهنگی و ارائه راهکار مداخله ای متناسب با آن. روش تحقیق: این پژوهش از منظر روش شناسی، نوعی پژوهش کیفی - نظری و مبتنی بر رویکرد هرمنوتیک - انتقادی است که با کمک گرفتن از تئوری های مرتبط با مبحث سامانه ها مثل آنتروپی و میل پارانویی در سه بستر تحلیلی، به واکاوی سیاست های رسمی مداخله در بافت های تاریخی - فرهنگی می پردازد. نتیجه گیری: بافت های تاریخی - فرهنگی از منظر ارزشمندی، دارای دو بعد کالبدی - محتوایی می باشند که با معیارهای زمینه ای و در بستر مدیریت شفاف، قابلیت شناسایی، محافظت و ارتقاء کیفیت را دارا می باشند.

کلمات کلیدی: آنتروپی، معاصر سازی، بازآفرینی، میل پارانویی، گفتمان انتقادی، سامانه

Analyzing Recent policies towards heritage sites using acritical Hermeneutics Approach

Abstract

While experiencing evolution over different periods of time, Policies for dealing with historical-cultural sites have faced various issues. "Urban regeneration" and "Contemporization" which were introduced in the late 1970s and early 1980s were regarded as one of the most comprehensive approaches, including urban development programs considering urban contexts with integrated economic, social and cultural goals. However, caused by the two problems of "bureaucracy" and "lack of effective communication with the influential and beneficiaries", delays in the implementation of these programs have rendered them economically unsustainable, and thus they ultimately failed. Therefore, understanding the nature of this problem and identifying solutions to these problems through critical analysis is the main topic of this research. Question: What is the essence of historical-cultural sites and what are their intervention strategies? Objective: To identify the valuable properties of heritage sites and to provide appropriate intervention strategies. Methodology: From a methodological point of view, this research is a kind of qualitative-theoretical research based on a hermeneutical-critical approach, which analyzes formal policies for intervention in historical-cultural contexts, by applying theories related to systems topics such as entropy and paranoia.

Conclusion: Historical-cultural sites have two dimensions in terms of value, which are physical dimension and context. These are capable of identifying, protecting and enhancing quality by providing a transparent management framework.

Keywords: Entropy, Contemporization, Recreation, Paranoid Desire, Critical Discourse, System

مقدمه و بیان مسئله

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی در طول زمان دریافته است که دیدگاه تک بعدی به مسایل شهری صحیح نبوده و مواجهه با سایت های تاریخی نیازمند نگاهی همه جانبه است. (بحرینی، سیدحسین، ایزدی، سعید و مفیدی، مهرانوش ۱۳۹۲) به طوری که طبق یکی از متاخرترین تعریف ها، بازآفرینی شهری عبارت است از مجموعه ای از اقدامات، با دید جامع و یکپارچه در حل مسائل شهری و بهبود دائمی شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی، که دستخوش تغییر شده است. (Roberts, ۲۰۰۰, ۱۹)

در واکاوی سیاست بازآفرینی، به عنوان یکی از متاخرترین سیاست ها، دو فرآیند ضروری "حفاظت" و "توسعه" قابل شناسایی است، که همانند هر دو جریان مکمل یکدیگر، در کنار راهکار های همه جانبه نگر کنونی در بازآفرینی شهری تمام تلاش خود را معطوف به کلیه ارزش های مستتر در بافت، اعم از اقتصادی، اجتماعی، تاریخی - فرهنگی و سیاسی می نمایند. (حناچی، پیروز و فدایی نژاد ۱۳۹۰) لازمه دستیابی به این اهداف، برنامه ریزی های بلند مدت و در مقیاس های کلان شهری است که می بایست در آن منافع گروه های مختلف ذی نفع در پروژه لحاظ گشته و مجموعه ای یکپارچه از نیازهای پروژه های شهری در آن دیده شود. متعاقب بزرگ شدن اهداف بازآفرینی و چند بعدی گشتن آن، طولانی شدن تحقق طرح های بازآفرینی اتفاق می افتد، نظیر بازآفرینی میدان کهنه اصفهان (میدان عتیق) که "پروژه حفاظت و توسعه آن با رویکرد بازآفرینی، طولانی مدت و هزینه بر شده و اجرای فاز نهایی با توجه به سرعت تغییرات قبل از تحقق، غیر اصولی گشته است." (نوریان، فرشاد، آریانا ۱۳۹۱) طولانی شدن زمان تحقق پروژه ها، که در حقیقت به معنای عدم تحقق آنها می باشد، از آنجایی ناشی می شود که بازآفرینی در

جهت نیل به هدف توسعه یکپارچه، با نهادگرایی (دیوانسالاری) و واگرایی ارزش های افراد ذی نفع و ذی نفوذ درگیر می شود.

این تحقیق به روش تحلیل هرمنوتیک انتقادی به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه می توان منازعات گروه های مختلف درگیر در سایت های تاریخی - فرهنگی را ضمن صیانت از اصول حفاظت و توسعه موجود در سیاست های مداخله ای به نوعی حل نمود که در آن تاخیر و یا شکست برنامه ها تا حد ممکن تعدیل گردد.

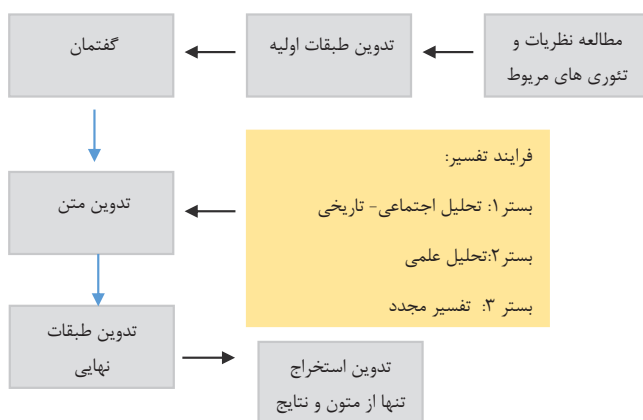
روش تحقیق

این پژوهش از منظر روش شناسی، نوعی پژوهش کیفی - نظری مبتنی بر رویکرد هرمنوتیک انتقادی است و هدف آن دستیابی به فهمی درونی در یک بستر متنوع (از قبیل زبانی زمانی تجربی و ...) است. هرمنوتیک انتقادی، به مثابه چتری برای پروژه های نظری، روش شناختی مشترکی است که به وسیله اندیشمندان گوناگون فلسفی و اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ تاکنون انجام شده است. اسمیت معتقد است "این روش، هرمنوتیکی خوانده می شود چون هسته اصلی جهت گیری آن شامل بازسازی و ایجاد زمینه های اصلی برای فهم و تفسیر عبارات و اصطلاحات نمادینی، همچون متون، کنش ها، مظاهر و فعالیت ها است. همچنین انتقادی محسوب می گردد به این دلیل که زمینه تفسیر را متصل به قدرت و سلطه اجتماعی می داند. از این رو، تمرکز بر قدرت به آن بعد انتقادی می دهد و انگیزه آن دگرگونی تغییرات اجتماعی به سوی آزادی بیشتر، افزایش رضایتمندی فردی و برابری است" (اسمیت ۱۳۸۷، ۲۴۷).

در این تحقیق، در بستر اولیه تفسیر، سیر تاریخی سیاست های حفاظتی از سایت های تاریخی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفته است. در بستر دوم، تحلیل ساختار نظری سیاست ها مورد بررسی قرار گرفته و مبانی فکری هر دوره تشخیص داده شده است. و نهایتاً در بستر سوم تحلیل به روش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019



شکل ۱. تحلیل نظریه های مداخله در بافت های فرهنگی- تاریخی به روش هرمنوتیک انتقادی ترسیم نگارندگان با اقتباس از دانایی فر، حسن، ۱۳۹۵

جدول ۱- مهمترین بیانیه های بین المللی در سندیت بخشیدن به حفاظت از محوطه های تاریخی گردآوری: نگارندگان

نام سند	تاریخ تصویب	سیاست کلی	ویژگی شاخص سند در حوزه حفاظت از محوطه های تاریخی
معاهده پاریس	۱۹۷۲	حفاظت از فرهنگ و منظر طبیعی	توجه به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی
قطعنامه کنگره آمستردام	۱۹۷۵	آشتی دادن تکنولوژی با ارزش ای تاریخی، طبیعی و فرهنگی	تلاش برای آشتی دادن فضاها کالبدی قدیمی با زندگی مدرن
بیانیه لوزان	۱۹۹۰	توسعه با محور بهسازی	توجه به حفاظت، بهسازی و باززنده سازی سکونت گاههای کوچک با "مشارکت مردم"
معاهده ماستریخت	۱۹۹۲	مباحث کلی توسعه پایدار	تحقق توسعه پایدار با تکیه بر میراث شهری و مشارکت های مردمی
منشور ایکوموس نیوزیلند	۱۹۹۳	توجه به مباحث مدیریت	ارائه چارچوبی برای مدیران محلی بر مبنای معنای فرهنگی مکان
سند نارا	۱۹۹۴	توسعه زمینه گرا	اهمیت تنوع فرهنگی و فرهنگ بومی جوامع
بیانیه سان آنتونیو	۱۹۹۶	توجه به اصالت	اهمیت اصالت در حفاظت و مدیریت مکان های تاریخی (ویژه کشورهای آمریکایی)
منشور نهایی بورا	۱۹۹۹	تغییر معنای مدیریت	توجه به مفهوم مدیریت تغییر در کنار مدیریت حفاظت بر مبنای اهمیت معنای فرهنگی مکان
بیانیه مکزیکوسیتی	۲۰۰۰	توجه به خرده فرهنگ	تأکید بر میراث بومی
یادنامه وین	۲۰۰۵	تلفیق مدیریت فرهنگ با مدیریت بناهای تاریخی	مدیریت منظر تاریخی - فرهنگی شهرها
منشور شیان	۲۰۰۵	گسترش معنای میراث به محیط طبیعی	تأکید بر حفاظت از محوطه های دارای میراث ملی با توجه به ویژگی های طبیعی و فرهنگی و ...
منشور ایکوموس	۲۰۰۸	گسترش معنای میراث به عناصر غیر کالبدی	تأکید بر ارزش های ملموس و ناملموس میراث، تأکید بر روح مکان و گسترش حوزه میراث به مسیرهای فرهنگی
منشور ایکوموس دهلی	۲۰۱۷	گسترش مفاهیم حفاظت تا سیستم های مدیریتی و اجرایی	تأکید بر ارزش های مناظر شهری میراث، ارائه راهکار در جزئیات اجرایی در مناظر شهری، توجه به نقش ذی نفعان و ذی نفوذان در برنامه ریزی های معاصر سازی

پاسا ساختارگرایانه تحولات سیاست های مداخله ای مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و در فرآیند تفسیر بر اساس نظریه سامانه ها و نیروهای پارانوی می مداخله گر و آنتروپی موضوع ذی نفعان و ذی نفوذان مطرح و تصمیم گیری در سایت های تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. فرآیند تفسیر به شرح زیر است. (شکل ۱)

فرایند تفسیر:

بستر ۱: تحلیل تاریخی (تحولات ظاهری)

بستر ۲: تحلیل علمی (تحلیل ساختاری)

بستر ۳: تفسیر هرمنوتیک (تحلیل انتقادی و پاسا ساختارگرایانه)

تحلیل تاریخی سیاست های مداخله در سایت های تاریخی - فرهنگی

منشورها و کنوانسیون های بین المللی دربردارنده سیاست های رسمی مداخله در سایت های تاریخی و فرهنگی می باشند که از سال ۱۹۷۰ تا دوران

معاصر تحولات مختلفی را از سر گذرانده است. همانطور که در جدول ۱ آورده شده است، مطابق

کنوانسیون ها و منشورها در سال های متوالی، حفاظت از آثار تاریخی به توسعه ی اقتصاد محور

و سپس توسعه چند بعدی و پایدار با زمینه گرا تغییر برنامه داده است و بالاخره پس از طی کش و

قوس های گوناگون، زاویه دید معاهده ها و منشورها از بعد نظری صرف به بررسی مسائل اجرایی تغییر

نموده و به دغدغه های مدیریتی پرداخته است.

تحلیل ساختاری معاصر سازی به عنوان

مناخترتین رویکرد

"معاصر سازی" از سال ۲۰۰۰ بر اساس نظرات فرامپتون مطرح شد. "معاصر سازی بیانگر دوره ای

است که در آن شهر در کالبد و محتوای خود از نو زاده می شود و مفهوم آن با ماهیت نوگرایی عجین

شده و در عین حال، نوعی شروع دوباره و بازگشت به اصل، با تغییر و تبدیل در ساختار اجتماعی و

کالبدی شهری و با توجه به ابعاد هنری و فرهنگی و اصالت بخشی به محلات شهری از طریق آن، را نشان

می دهد. (Frampton, ۱۹۹۹, ۱۵) به عبارتی

میتوان معاصر سازی را در سیر تکامل بازآفرینی به عنوان روشی برای جبران کمبود بازآفرینی تعریف

کرد که مورد اقبال عموم واقع شده است تا مسائلی بسیار بزرگ شده ی طرح بازآفرینی را قابل حل

نماید. (نیل، ۲۰۰۳، ص ۴۷) معاصر سازی می کوشد

که سیاست نگاه در حوزه خردتر (در سطح محله ها و بافت ها- جهت بهبود شرایط آن ها، بسته

به عملکرد شان و به صورت پله به پله و در بازه های زمانی کوتاه تر) را سرلوحه برنامه های خود

قرار دهد. به طوری که ارتقاء کیفیت پروژه ها با مداخلات مداوم و پیوسته به عنوان اصول آن

میتواند مطرح شود. طراحی در این رویکرد، با زبان معاصر است و اشاراتی را از زمان حال دریافت می

کند؛ همچنین الهام هایی از گذشته می گیرد و با احترام با زمینه تاریخی گفتگو می کند. (نقوی و مظاهریان ۱۳۹۸، ۷۱)

سابقه تفکر معاصر سازی را حداقل می توان به سی سال قبل تر از سال ۲۰۰۰ رجوع داد. زمانی

که تلاش برای آشتی دادن فضاهای کالبدی قدیمی با زندگی مدرن در بیانیه بوداپست ۱۹۷۲ م،

قطعنامه کنگره آمستردام ۱۹۷۵ م، و توصیه نامه نایروبی ۱۹۷۶ مورد توجه قرار گرفته بود. فعالیت

سازمان های مختلفی همچون English Heritage, UNESCO, ICCROM, ICOMOS, برگزاری

کنفرانس های ملی و بین المللی و صدور قطعنامه ها، توصیه نامه ها و دستورالعمل ها، فضای جدیدی

را برای هدایت این نهضت فراهم نمود. (جدول ۱)

از موارد زیر به عنوان مقدمات نهضت معاصر سازی می توان نام برد:

۱. توسعه قلمروی فعالیت و حفاظت، از بناهای منفرد به تمامیت بافت؛

۲. توجه توأمان به میراث فرهنگی و طبیعی؛

۳. تحول رویکردی در استفاده مجدد از ابنیه و آثار تاریخی و گرایش به تجدید حیات کارکردی؛

۴. استفاده های اقتصادی مؤثرتر از بناهای تاریخی؛



شکل ۲. الگوی معاصر سازی شهری ماخذ:

ایرانشاد، ۱۳۹۷

پیچیده کرده و با در نظر گرفتن هدف مشارکت دادن تمام افراد ذینفع و ذی نفوذ به ناچار با واگرایی گفتمان، مواجه می گردد.

ذینفعان پروژه افراد و گروه ها یا سازمان هایی هستند که ممکن است بر پروژه تأثیر بگذارند، از آن تأثیر بپذیرند، یا ادراکشان از یک تصمیم، فعالیت یا خروجی پروژه تأثیر بپذیرد. از ذینفعان شهری می توان به مردم، دولت، سازمان های عمومی، سازمان های خصوصی، سازمان های مردم نهاد و یا شورای شهر اشاره کرد. (پرچی، مجید، زبردست، اسفندیار و فصیحی ۱۳۹۷)

در علوم اجتماعی، تفاوت در مفاهیم، اهداف و ارزش ها را به صورت گفتمان های انتقادی تعریف می کنند. مدیریت میراث فرهنگی با گروه های مختلفی در برنامه ریزی و تصمیم گیری در سایت های تاریخی مواجه است، و این درگیری و تضاد را می توان با کمک تجزیه و تحلیل گفتمان همزمان درک کرد. (Oevermann and Miege, ۲۰۱۵).

در روش تحلیل گفتمان، فرض بر این است که هر کدام از گفتمان ها به سیستم های معرفت شناختی خاصی گره خورده اند. سیستم های معرفت شناختی به وسیله مفاهیم، اهداف و همچنین مفروضات و ارزش های اساسی خود تعریف می شوند. مفاهیم؛ زیرساخت مفهومی در درون هر گفتمان است.

اهداف؛ برای بیان اهداف آینده به کار می رود. مفروضات اساسی؛ خطوط مشترکی هستند که مفاهیم، اهداف و ارزش ها را به هم متصل می کنند و آن ها عبارت های کلیدی هر گفتمان هستند. به عنوان مثال: ساختمان ها ارزش حفظ شدن را دارند زیرا گواهی از گذشته هستند.

ارزش ها؛ توجیه نهایی مفروضات اساسی و انتخاب مفاهیم هستند. به عنوان مثال اصالت. به عبارت دیگر، آن ها به بافت های موجود ارزش ویژه ای می دهند. مفروضات اساسی، مفاهیم و اهداف به طور ضمنی و یا صریح توسط ارزش ها سنجیده

۵. توجه به صنعت توریسم به عنوان فرصتی برای توسعه و رشد اقتصادی ساکنین و یا مجاورین مناطق تاریخی؛

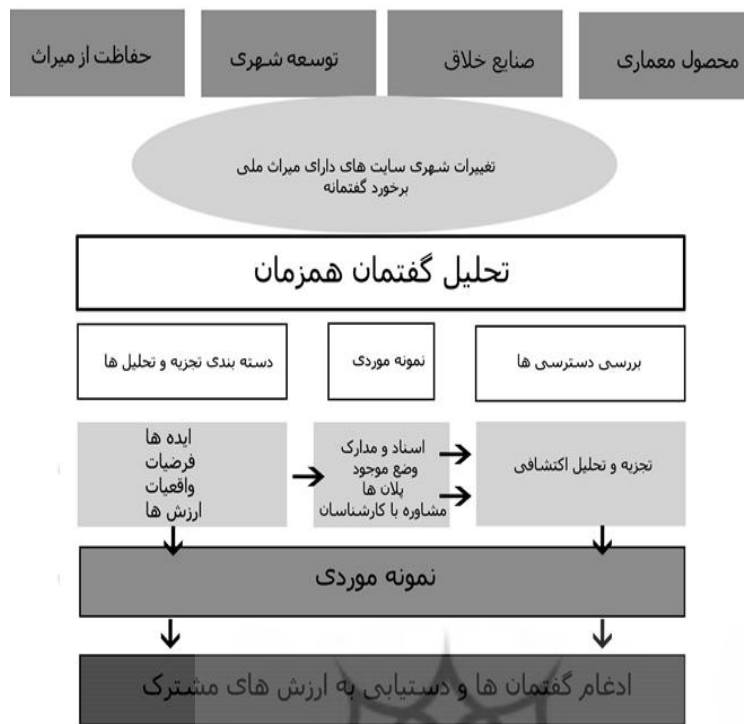
۶. تأکید بر محیط انسانی هم ارزش با بناهای دارای ارزش تاریخی؛

۷. تداوم مداخلات به معنای اینکه مجموع اقدامات دفعی و ضربتی نمی تواند مورد قبول واقع شده و یکباره به تجدید حیات و روان بخشی مراکز شهری بیانجامد

۸. تأکید بر استفاده از معماری معاصر در مجموعه های ساختمانی و باززنده سازی ابنیه ی بافت با عملکرد مناسب

در این بیانیه، "گذشته"، "حال" و "آینده" به صورت کلی نگریسته شده و هماهنگی میان هر سه زمان به عنوان هدف اصلی مطرح است. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۱، ۱۴۰) (شکل ۲) در سال ۱۹۸۲م، بیانیه «تریندا» مشارکت مردم را به عنوان وظیفه اخلاقی دولتمردان و مردم تلقی می کند. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۱) حفظ روح مکان بدون توجه به مشارکت و ترغیب جدی مردم محقق شدنی نیست. از سویی دیگر مشارکت دادن مردم و انجام پروژه ها در مقیاس خرد در سطح محله ها خود می تواند به عنوان روش مناسبی در فائق آمدن بر مشکلات نهادگرایی (دیوانسالاری) مطرح شود.

با این وجود، مطابق اهداف معاصر سازی، حفاظت از آینده همتراز با حفاظت گذشته درک موضوع را



شکل ۳. نمای شماتیک تحلیل گفتمان همزمان؛ منبع: نگارندگان با اقتباس از Oevermann, 2015.

می شوند. به طور خلاصه گفتمان های اصلی و شاخص در مقوله سایت های تاریخی - فرهنگی را می توان در چند گروه زیر معرفی کرد: Kercher and Schneider, 2006; Keller, 2007))

گفتمان اول، گفتمان حفاظت از میراث میراث فرهنگی و مسایل مربوط به آن دارای نفوذ زیادی در تصمیم گیری های اساسی فرایند تحول است. این گفتمان با تخریب مقابله می کند و به دنبال حفاظت از میراث است.

گفتمان دوم؛ با عنوان توسعه شهری به دنبال توسعه مناطق با روشی است که برای ساکنان در مقیاس محلی و شهری مزایای اقتصادی و رفاهی فراهم آورد.

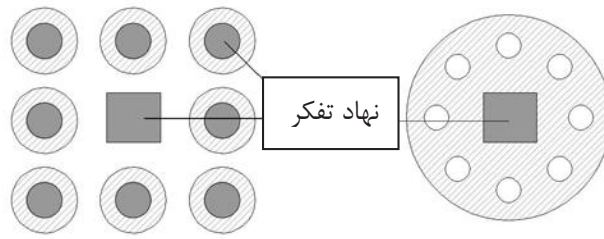
گفتمان سوم صنایع نوآورانه بیشتر تمرکز این گفتمان بر صنایع نوآورانه به عنوان محصول معماری است.

گفتمان چهارم محصول معماری

آخرین گفتمان مربوط به محصولات معماریست که طراحان بواسطه آن موقعیت و کاربری ساختمان ها را تعریف کرده و فضای موجود را به فرم جدیدی شکل می دهند. (Kercher and Schneider, 2006; Keller, 2007)

از این دسته بندی ها برای توصیف گفتمان و زیرگفتمان استفاده میشود. حل تناقضات در گفتمان، با استفاده از ادغام گفتمان ها و سنجش و ارزش گذاری آن ها، اطلاعات استدلالی را فراهم می آورد که می تواند در برنامه ریزی منسجم مورد استفاده قرار گیرد. (Oevermann and Mieg, 2015) (شکل ۳)

تحلیل گفتمان همزمان در جاهایی که واگرایی در ارزش ها و برنامه ها وجود دارد از منظر تئوری استدلالی به عنوان یک ابزار کارآمد می تواند در نظر گرفته شود، ولی برای تحقق پذیری آن در سیستم های انسانی که ماهیت پیچیده و فرا منطقی دارد باید به تحلیل اشکال مختلف مشارکت در تصمیم



شکل ۴- نهاد تفکر در سامانه طبیعی و انسانی منبع: اسلامی، ۱۳۹۲

از اجزاء وابسته اطلاق می شود که کل معناداری را می سازند. به عبارت دیگر سامانه به معنای یک کل به کار می رود که از ترکیب اجزاء متعددی تشکیل شده است. به این ترتیب سامانه مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که شامل مصادیق مختلفی در حوزه های زیست شناسی، جامعه شناسی، بیولوژی، فرهنگ و هنر می شود. آکوف معتقد است در یک سامانه طبیعی یک نهاد تفکر وجود دارد و دیگر اجزاء سرویس دهنده آن هستند (شکل ۴). لیکن در سامانه تشکیلات انسانی یک نهاد تفکر وجود دارد و باقی اجزاء نیز خود دارای نهاد تفکر می باشند. همچنین آکوف معتقد است مشکلات نیز همانند راه حل هایشان سامانه ای را به وجود می آورند که برای یافتن راه حل آنها باید از روش همگرایی تخصص ها بهره گرفت" (اسلامی ۱۳۹۲، ۲۰).

میل پارائویی: "میل پارائویی خاستگاه اجتماعی و تاریخی دارد این میل با ترس برانگیخته می شود، ترس از متفاوت بودن و مورد قضاوت نادرست دیگران قرار گرفتن. دلوز به امپریالیسم لعنت می فرستد که تمایلات ما را به خود جلب و ما را مصرف زده کرده است. در اینجا منظور از مصرف محصولات صرفاً به کالا اشاره ندارد بلکه حتی دامنه تعبیر از آن تا محدوده ی مصرف افکار و الگوهای رفتارهای غالب، گسترش می یابد. در حقیقت با اینگونه تحریکات تمایلات مردم در جهت منافع گروهی خاص شکل می گیرد" (اسلامی ۱۳۹۲، ۲۲).

مفهوم آنترپوی: یکی از قوانین جهان شمول از دیدگاه سیستمی، قانون دوم ترمودینامیک است

گیری و برنامه ریزی فرآیندها نیز پرداخته شود. **تحلیل هرمنوتیک انتقادی موضوع** امروزه، جوامع به لحاظ ساختاری متفاوت هستند. در جامعه های متشکل از زیرگروه های مختلف که با یکدیگر روابط پویایی دارند، هر کدام از این زیرگروه ها تا حد زیادی با استفاده از ارتباطات، شیوه ها و تجلیات خود شکل گرفته اند و به وسیله زمینه ارزشی ویژه ای با هم در ارتباط هستند. بررسی اشکال مختلف حاکمیت شهری، اشکال مختلف مشارکت در تصمیم گیری، و برنامه ریزی فرآیندها و همچنین بررسی تعارضات همراه با آن ها، خطرات مناقشه گفتمانی در جامعه معاصر را آشکار می سازد. (Oevermann and Mieg ۲۰۱۵)

نمایندگان حفاظت از میراث و توسعه شهری از مفاهیم و ابزارهای مختلف استفاده میکنند و اهداف متنوعی را دنبال می کنند و شیوه های اجرایی آن ها با ارزش های مختلفی هدایت می شود.

تحلیل پیچیدگی مسائل ساختاری گروه های انسانی به طور عام و گروه های ذی نفع و ذی نفوذ در سایت های تاریخی - فرهنگی به طور خاص نیازمند واکاوی مسائل مرتبط با سیستم ها و سامانه های انسانی می باشد، که برای نیل به این مقصود در ادامه به ارائه توضیحاتی مختصر در خصوص سامانه و نهاد فکری موجود در آن، میل پارائویی و تئوری آنترپوی پرداخته می شود تا بتوان موضوع را در سومین بستر تحلیل هرمنوتیک انتقادی، تحلیل و جمع بندی نمود.

سامانه: "اصطلاح سیستم یا سامانه به مجموعه ای

و آنتروپی از مهم ترین خاصیت‌های سیستم های فیزیکی و مفهومی برآمده از قانون دوم ترمودینامیک است، که نه تنها در سیستم های فیزیکی، بلکه در سیستم های زنده، اجتماعی، و حتی اقتصادی نیز وجود دارد. آنتروپی در لغت به مفهوم هرج و مرج و بی نظمی است. در هر سیستم عواملی وجود دارند که در خلاف جهت سیستم عمل می کنند و مختل کننده انتظام سیستم هستند که به این عوامل آنتروپی می گویند. (D. Harshey, 2017)

این روش نگرش به مفهوم آنتروپی همان روشی است که از نظر متفکران سیستمی توانایی تعمیم به حوزه سایر علوم را داشته است و آنتروپی در نگرش سیستمی (system view) خاصیتی است که در همه سیستم ها تعریف پذیر است. (انصاری، گلشن، عباسی و گشوارپور ۲۰۱۵)

آنتروپی در رابطه با سیستم های باز و حتی بسته، بسیار مهم است و می تواند مثبت و یا منفی باشد. آنتروپی مثبت بیانگر آن دسته از عواملی است که سیستم را از حالت تعادل خارج می کند و آنتروپی منفی به آن دسته از عواملی گفته می شود که در جهت بقا و حفظ سیستم با عوامل بی ثبات کننده مبارزه می کند. در سیستم های بسته که در آن ها تبدالی با محیط صورت نمی گیرد، آنتروپی مثبت گرایش به افزایش دارد و بر میزان بی نظمی داخل سیستم می افزاید. تغییر آنتروپی در سیستم های بسته همیشه مثبت است و نظم دائماً از بین می رود. اگر یک سیستم بسته به حال خود رها شود، سرانجام به سوی بی نظمی و اغتشاش و تعادل ایستا خواهد رفت و این عاقبتی است که هر سیستم بسته به آن دچار خواهد شد.

از سوی دیگر در سیستم باز، به علت ارتباط داشتن با محیط، آنتروپی مثبت گرایش به کاهش دارد و سیستم باز در قبال محیط خود واکنش هایی نشان می دهد که منجر به کامل تر شدن و پیچیده تر شدن سیستم می شود. سیستم باز، برخلاف سیستم های بسته، گرایش به تعادلی پویا و نیاز

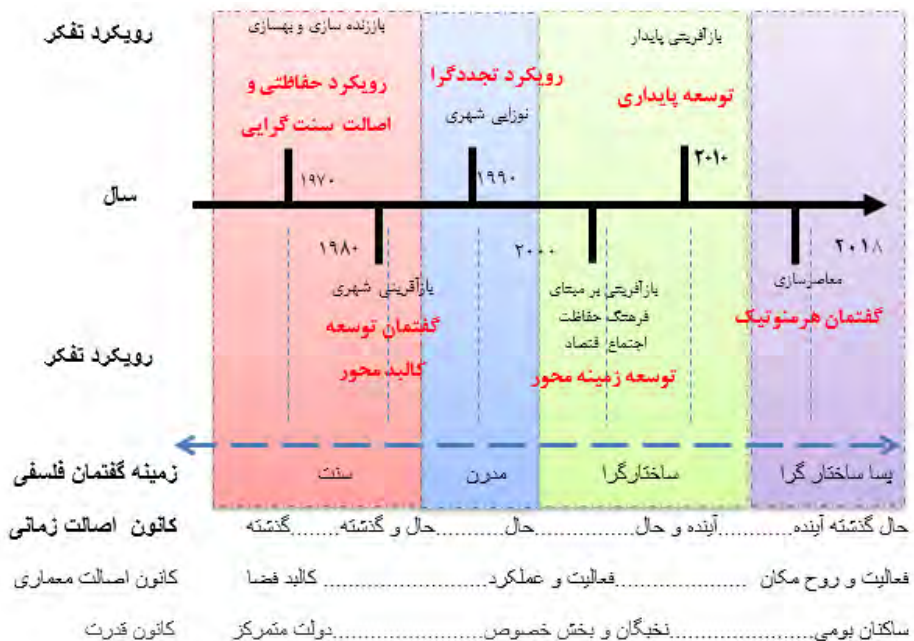
به تبادل ماده و انرژی با محیط دارد. از طریق این تبادل با محیط است که میزان آنتروپی مثبت کاهش می یابد و بر نظم سیستم افزوده می شود. سیستم برای بقا و ایجاد نظم در عملکرد خود باید با این قانون طبیعی یعنی "آنتروپی مثبت" مبارزه کرده و آنتروپی منفی ایجاد نماید و در واقع فعالیت های آنتروپیک را متوقف سازد. (امیری، زینب، و غیره ۱۳۹۷)

جمع بندی تحلیل سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی

بستر اولیه تحلیل: در این مرحله از تحلیل صرفاً به مطالعه تاریخی رویکردهای مداخله ای در نظریه های مداخله در بافت های تاریخی فرهنگی که با این مطالعه مشخص شد پرداخته شده است. در تمامی این رویکردها به نوعی واگرایی ارزش ای توسعه محور و حفاظت محور مطرح است. به طوری که در سیر تحول تاریخی، نگرش سیاست های مداخله ای از مسائل طراحی و برنامه ریزی به سمت مسائل محیطی و مدیریتی تغییر جهت داده است. این نشان دهنده اهمیت مسائل مرتبط با تصمیم گیری و اجرایی موضوع است. مشکل اصلی واگرایی ارزش ها در این مرحله واگرایی ادراکی در فهم ارزش ها است و راهکار مدیریت منازعه، مشارکت دادن تمامی نهادها و افراد ذی نفع و ذی نفوذ و استفاده از روش تحلیل گفتمان و ارائه ی ارزش های میانجی است.

بستر دوم تحلیل: تحلیل ساختاری نظری های مداخله در بافت های تاریخی فرهنگی در واکاوی رویکردهای مداخله منازعات زیر مورد توجه قرار گرفته است

۱. منازعه اصالت قدرت (قدرت مرکزی یا قدرت زمینه ای)
 ۲. منازعه اصالت زمان (حال آینده و گذشته)
 ۳. منازعه اصالت معماری (کالبد عملکرد فعالیت و یا روح مکان)
- مشکل اصل در این بخش واگرایی عدم اعتماد



شکل ۵. سیر تکاملی رویکرد مواجهه سایت های تاریخی - فرهنگی متناسب با تحولات فلسفی (سیر تاریخی - ساختاری) ترسیم: نگارندگان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019

۲۳۵

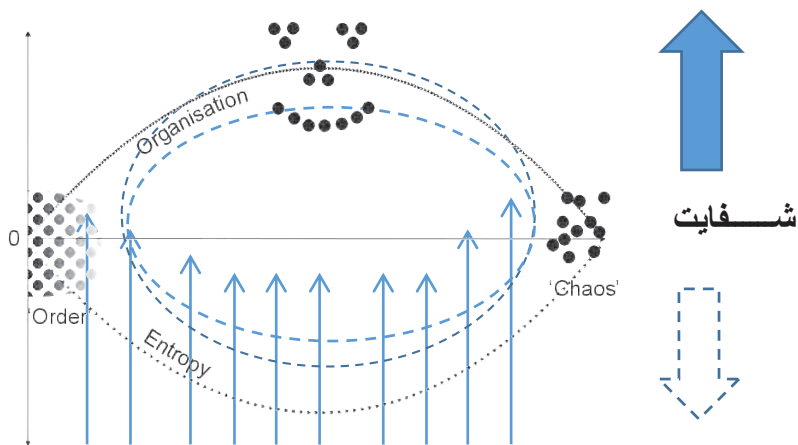
تعدی از عدالت اجتماعی، سامانه بیشتر در مسیر اهداف تعریف شده ی خود قرار عمل خواهد نمود. (شکل ۶)
جمع بندی یافته ها

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی، مطابق تحلیل صورت گرفته به سه سطح از مشکلات گره می خورد؛ سطح ظاهری، سطح میانی، سطح زیرین. در سطح ظاهری، دوگانگی ارزش ها و نهاد گرایی، اهم مشکلات سیاست های اجرایی، می باشد که حاصل گرایش ارزش ها به دو قطبی گری هایی از قبیل گذشته / آینده، کالبد / محتوا، توسعه / حفاظت و ... می باشد. این تنازعات به زمانبر شدن پروژه ها در عصر سرعت شده است و طرح های مداخله در سایت های تاریخی و فرهنگی با چالش های جدی تاخیر مواجه می کند. معاصر سازی با گذر از دوقطبی گری روایت جدیدی از امر حفاظت ارائه می دهد و در کنار حفاظت از ارزش های گذشته حفاظت از حال و آینده را از طریق بازیابی برجستگی

طرفین منازعه به توانمندی و اصالت طرف مقابل است و راهکار مدیریت منازعات، به نظر، حرکت نرم و آهسته از سمت قطب غالب به سمت قطب مغلوب می باشد. (شکل ۵)

بستر سوم تحلیل: واکاوی تئوری نظام قدرت با استفاده از تئوری سامانه، آنتروپی و میل پارانویی در واکاوی انتقادی سیاست های مداخله با استفاده از تئوری سامانه، آنتروپی و میل پارانویی، منازعه زیر مورد توجه قرار گرفته است.

منازعه: مدیریت صریح و مدیریت ضمنی مشکل اصلی: تمایلات ناسازگار طبیعت انسان علت این منازعه وجود مافیای قدرت و ترس اکثریت از محروم شدن از حمایت های این قدرت ها و میل به منفعت طلبی و سوداگرایی در بین عموم است. **راهکار مدیریت منازعه:** قانون گذاری و سیاست گذاری برای شفافیت بخشی در سیستم ها و تلفیق آن با مدیریت نظام مند و صریح در بخش های نظارتی است چرا که با افزایش میزان شفافیت و جایگزین شدن ترس از محرومیت با ترس از



شکل ۶. شمای کلی ارتباط سامانه ترسیم: نگارندگان

شرط اطمینان بخشی بهره برد. سطح زیرین: آنتروپی را در سیاست های مداخله ای می توان واگرایی و عدم یکپارچه بودن اهداف ضمنی و اهداف پنهان اشخاص و نهادهای ذی نفع و ذی نفوذ تعریف نمود که سعی دارند خلاف اهداف سازمانی عمل کنند. در صورت بسته بودن سیستم های نهادی، آنتروپی مثبت تشدید گشته، و لذا قابل پیش بینی است که سیستم های تصمیم گیرنده از اهداف و وظایف سازمانی عدول نموده و سازمان را از تحقق اهدافش باز دارد. در کنار آنتروپی مثبت سازمانی در سامانه های بسته، میل پارنویی نیز در میان اعضاء سازمان ها منجر می شود کارشناسان برای حفظ موقعیت و ترس از طرد شدن، در مقابل تصمیمات نامناسب و انحرافی افراد با قدرت های بیشتر سکوت کرده و امکان تحقق امیال و برنامه های آنها را که در خلاف جهت برنامه های سازمانی است تقویت نمایند. باید در نظر گرفت مشکلات به هم پیوسته، نقش آنتروپی را بازی می کنند و بی نظمی بیشتر را باعث می شوند. یعنی میل پارنویی و آنتروپی مثبت قابلیت تجمیع شدن داشته و در کنار هم مثل یک سامانه، برعکس سازمان رسمی و تعریف شده به صورت شبکه ای قوی و کامل در خلاف جهت اهداف سازمان عمل می نمایند.

های فرهنگی آنها با ارزش دانسته و مورد تاکید قرار می دهد، یعنی حفاظت از بافت اجتماعی و فرهنگی از طریق درک ارزش های غیر ملموس مثل حفظ روح مکان و زندگی طبیعی ساکنان آن. در معاصر سازی برخلاف سیاست های پیشین، مشکل دوگانگی ارزش ها (حفاظت و توسعه) نیست که چالش برانگیز است، بلکه چگونگی درک ارزش های زنده ی مکان چالش جدی می باشد که در لایه های زیرین کالبدی و گفتمان های گوناگون افراد ذی نفع و ذی نفوذ مستتر است، و به نظر می رسد به روش تحلیل گفتمان همزمان، امکان درک آن ممکن باشد.

سطح میانی نیز به نوعی با تفکر دوقطبی مواجه است با این تفاوت که در این مرحله دوقطبی گری نه در سطح ارزش ها بلکه در سطح سیستم های مدیریتی است. مدیریت تغییر/مدیریت حفاظت، مداخله آهسته و مستمر/مداخله تهاجمی و یکباره، مدیریت نهادی/مدیریت دولتی که در تشدید این دوقطبی گری ها، عامل عدم اعتماد هر دوسر قطب به یکدیگر مانع از تصمیم گیری و تحقق برنامه ها میگردد. برای سامان دهی این مشکل می توان از برنامه های حمایتی و مشارکتی بین دو قطب و انتقال آرام سیاست ها از قطبی به قطب دیگر به

در چنین شرایطی، لزوم وزن دادن به صداهای مخالف برای غنای تجربه های عملی برنامه های مداخله بیشتر احساس می شود. چرا که در سایه شفافیت موجود در سیستم باز، مجال شکل گیری شبکه های معکوس از بین رفته و شفافیت در اینجا نقش آنتروپی منفی را بازی خواهد نمود. در مبحث مدیریت طرح های مداخله ای، این موضوع به این صورت معنا می شود که در صورت تعریف سیستم های باز و شفاف در کنار ایجاد امکان چندصدایی در میان گروه های ذی نفع و ذی نفوذ، بحث تشدید آنتروپی مثبت به معنای سوداگری و سوء مدیریت به حداقل رسیده و با اعمال مدیریت صریح از جانب دولت متمرکز به شکل قانونگذاری و نظارت، شرایط تحقق اهداف سازمانی به حداکثر خواهد رسید.

نتیجه گیری و پیشنهادها:

واکاوی تاریخی- ساختاری سیاست های مداخله نشان می دهد این سیاست ها به مرور و در طی زمان، ماهیت بافت های تاریخی- فرهنگی را از منظر ارزشمندی، دارای دو بعد ملموس و غیرملموس دانسته و معنای حفاظت را از حفاظت معطوف به گذشته به حفاظت از هر سه زمان حال، آینده و گذشته گسترش می دهد. از بعد معیارها و شاخص های ارزیابی نیز، اعتبار اصلی را به جای ارزش های استاندارد شده جهانی از آن ارزش های بومی و زمینه ای می داند. سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی- فرهنگی در سیر تکاملی خود، تنها راهکار مداخله ای مناسب را که به حفاظت همه جانبه محیط بینجامد؛ حاصل وزن دهی به نیروهای مشارکتی ساکنان محلی در مقابل قدرت های نخبه گرایانه و دیوان سالارانه معرفی می کند و مدل مدیریتی حاکم را از "مدیریت حفاظتی" به "مدیریت تغییر"، تغییر داده و به جای برنامه های تهاجمی، دفاعی و گسترده به برنامه های آهسته، مداوم و خرد اهمیت می دهد. و با این حرکت از نهادگرایی و زمانبر شدن برنامه ها رهایی می یابد. به نظر می رسد تقویت رویکرد معاصر سازی با

قابلیت های دانش جامعه شناسی و دانش سامانه ها، امکان تحقق برنامه های مداخله ای کارآمد را بیشتر نماید. با توجه به تحلیل های صورت گرفته علی الخصوص در بستر سوم تحلیل، می توان استنباط کرد به دلیل ماهیت سامانه های انسانی و وجود آنتروپی و میل پارائویی در آن ها، ایجاد سیستم باز، موجب شفافیت و تعادل در گفتار میان گروه های مختلف درگیر در پروژه های شهری خواهد شد که این امر به نوبه ی خود، در مورد سایت های تاریخی- فرهنگی به خصوص در مجموعه های شهری، منجر به آرایه تنوعی از راه حل های منطقی می گردد و مانع قوت گرفتن آنتروپی مخرب در گرایشات غیر منطقی و ناعادلانه شده و از سوی دیگر با شفاف کردن مقاصد نهادهای تفکر که خواهان سلطه از طریق ایجاد میل پارائویی و جهت دهی افکار عمومی هستند، موجب افزایش سطح آگاهی در جامعه و گسترش اعتماد عمومی و نهایتاً افزایش مشارکت مردمی گردد. در نتیجه با راه اندازی سیستم باز و شفاف و با درک ماهیت سامانه های انسانی و پذیرش ماهیت نهاد تفکر موجود در آن، می توان با هزینه های حداقلی مدیریت، امکان اتخاذ بهترین تصمیم را فراهم آورد. نتایج پژوهش تحلیلی حاضر نشان می دهد الگوهای موجود در تحلیل گفتار همزمان، صرفاً در شرایط شفاف می تواند با دستیابی به ارزش های مشترک جهت حل تعارضات میان گروه های مختلف ذینفع و ذی نفوذ درگیر در پروژه مورد استفاده قرار گرفته و مجال تحقق برنامه ها را فراهم آورد.

فهرست منابع:

اسلامی، غلامرضا. ۱۳۹۲. مبانی نظری معماری. عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: موسسه علم معمار.
اسمیت، دیوید جی. ۱۳۸۷. پژوهش هرمنوتیک: تصور هرمنوتیک و متن تربیتی. Translated by عباس منوچهری. تهران: انتشارات سمت.
امیری، زینب، محمودرضا اسماعیلی، رضا سپهوند،

- و سید نجم الدین موسوی. ۱۳۹۷. "ارایه الگوی آنروپی رفتاری در سازمان (مورد مطالعه: شهرداری اصفهان)". فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمان های دولتی دوره ۶ شماره ۴ ۳۷-۵۶.
- انصاری، گلشن، عطاله عباسی، و عاتکه گشوارپور. ۲۰۱۵. "تحلیل آنروپی سیگنال نرخ ضربان قلب در هنگام تفکر خلاق". فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسان ۷۶-دوره ششم، شماره ۴، پاییز ۹۵، صص ۵۳.
- ایرانشاد، عارفه. ۱۳۹۷. "معاصر سازی محلات تاریخی با هدف مکان سازی فضاهای شهری". فصلنامه مطالعات مدیریت شهری.
- بحرینی، سیدحسین، ایزدی، سعید، and مفیدی، مهرانوش. ۱۳۹۲. "رویکردها و سیاست های نوسازی شهری، از بازسازی تا بازآفرینی". فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری ۱۷-۳۰.
- بروجنی، حمید، فرهمند، و انصاری، مجتبی. ۱۳۸۵. "سخنی درباره توسعه واگان و اصطلاحات تخصصی در حوزه دانش محافظت از آثار فرهنگی: برداشت ها و تعبیر متفاوت". مرمت و پژوهش ۷-۱۴.
- پرچمی، حمید، جلال، زبردست، اسفندیار، و حمید فصیحی. ۱۳۹۷. "ارائه چارچوب (مدل فرآیندی) مدیریت یکپارچه پروژه های شهری مبتنی بر رویکرد مدیریت سبک پروژه". فصلنامه مدیریت شهری ۱۹۵-۲۲۰.
- پورا احمد، احمد. ۱۳۹۰. "سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو". فصلنامه مطالعات شهر ایرانی، اسلامی.
- حبیبی، محسن، and ملیحه مقصودی. ۱۳۸۱. مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن، and مهران فروغی فر. ۱۳۹۲. "یافتن راهکارهایی برای جلب مشارکت مردم در طرح های مرمت شهری بر پایه ی نظریه بازی". نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی.
- حناچی، پیروز، and سمیه فدایی نژاد. ۱۳۹۰. "تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی شهری یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی". نشریه هنرهای زیبا. ضرورت نوزایی شهری". فصلنامه هفت شهر.
- لطفی، سهند. ۱۳۹۱. تبارشناسی بازآفرینی شهری. تهران: انتشارات آذرخش.
- مطهری راد، مهری. ۱۳۹۵. "مؤلفه های مؤثر بر ادراک و ارتباط بصری در منظر شهری تاریخی". هفت شهر ۵۴-۶۲.
- مهدوی نژاد، محمدجواد. ۱۳۹۳. اصول و مبانی معاصر سازی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی نژاد، محمدجواد. ۱۳۹۶. "گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری". هویت شهر ۵۹-۶۸.
- نقوی، پویان، and حامد مظاهریان. ۱۳۹۸. "تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری". باغ نظر ۶۹-۸۰.
- نوریان، فرشاد، آریانا، اندیشه. ۱۳۹۱. تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان. نشریه هنرهای زیبا دوره ۱۷ شماره ۲.
- Frampton, k. 1999. "seven points for the Mhllennium." architectural record.
- Harshey, D. 2017. Entropy theory of aging systems. London: imperial college press.
- Oevermann, Heike, و Harald A Mieg. 2015. "Exploring urban transformations: Synchronic discourse analysis in the field of heritage conservation and urban development." Journal of Urban Regeneration and renewal .
- Phil, Jones, و James Evans. 2008. Urban Regeneration in the UK: Theory and Practice. London: sage.
- Roberts, P, H. Syke. 2000. The evolution, definition and purpose. London: British Urban Regeneration Association, SAGE Publications.